



آتیه‌نو

A T I V E H N O

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:
ابراهیم رستمیان مقدم
سر دبیر: اکبر هاشمی
معاون سردبیر: رضا جمیلی
دبیر تحریریه: میترا فردوسی
مدیر هنری: سیدعلی رضا میرزاصطفی
صفحه‌آرایی: حمید ابراهیمی
ویرایش عکس: شبنم رضوانی
تحریریه: نسرين ظهیری، فاطمه علی اصغر
صدرا محقق، امین جلالوند،مسعودشاه‌حسینی
حمیدرضا عبدلوند، مر نضی کریمی، مجتبی کاه
محمد زینالی، بهاره اسلامی و...
با تشکر از: بیژن رضمانی، ابراهیم باقری،
صولت فروتن
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
تلفن تحریریه: ۸۵۱۷۰۸۵-۶
www.Atiyehnoweekly.ir
چاپ: هنر سرزمین سبز
آگهی و اشتراک: ۸۵۱۷۰۹۱
ناظر چاپ: علی توتونی

یادنامه «آتیه‌نو»

آتیه‌نو در این شماره تلاش داشت با توجه به رویداد تأثر بار درگذشت مدیرعامل و معاون حقوقی و امور مجلس سازمان تامین اجتماعی در روز پنجشنبه ۲۴ آبان، در فرصتی محدود پوششی کامل و در خور به اخبار و گزارش‌ها و یادداشت‌های مرتبط با این واقعه بدهد. پیشاپیش از اینکه ممکن است ناخواسته و به سبب ضیق وقت، در انعکاس کامل رویدادها و انبوه احساسات اقشار مختلف مردم، مسئولان، فعالان تشکل‌های صنفی کارگری، کارفرمایی و بازنشستگان ومستمری بگیران و...، و ذکر اسامی حاضران در آیین‌های تشییع، تدفین، یادبود کوتاهی یا کاستی‌هایی وجود داشته باشد، پوزش می‌طلبیم.

۱۶ | آتیه‌نو

یادداشت

جایی برای حرف‌های خودمانی

یکشنبه ● ۲۷ آبان ۱۳۹۷ ● شماره صد و هفتادوهشت

A T I V E H N O

پیام تسلیت اعضای هیئت مدیره سازمان تامین اجتماعی

اعضای هیئت‌مدیره سازمان تامین اجتماعی باصدور پیام‌هایی فقدان مدیرعامل و معاون حقوقی و امور مجلس سازمان تامین اجتماعی را به خانواده‌های این عزیزان، جامعه بیمه‌شده ومستمری بگیر، و همینطور کارکنان و مدیران این سازمان تسلیت گفتند. متن این پیام‌ها بدین شرح است:

■ محمدحسین مهدوی عادل، رئیس هیئت مدیره سازمان تامین اجتماعی:

صایحه فقدان جناب آقای دکتر سید تقی نوربخش، مدیرعامل محترم سازمان تأمین اجتماعی و جناب آقای عبدالرحمان تاج‌الدین،

معاون حقوقی و امور مجلس سازمان را به خانواده‌های این عزیزان ونیز جامعه شریف بیمه‌شدگان، کارآفرینان، بازنشستگان ومستمری بگیران تسلیت گفته و برای آن سفرکردگان، رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل را از درگاه احدیت آرزو دارم.

■ علی حیدری، نایب رئیس هیئت مدیره سازمان تامین اجتماعی:

درگذشت ناگهانی جناب دکتر نوربخش، و جناب آقای تاج‌الدین، در حین ماموریت اداری را به والدین و خانواده معزز آن مرحومان، همچنین

همکاران سازمان تامین اجتماعی، جامعه پزشکی و جامعه کارگری کشور تسلیت عرض می‌کنم. خداوند روح ایشان راقرین رحمت واسعه خویش و هم‌نشین اولیاء وصلحا قرار داده و به بازماندگان ایشان صبر عنایت فرماید.

■ دکتر محمد علی همتی، عضو هیئت مدیره سازمان تامین اجتماعی:

درگذشت ناگهانی مدیرعامل سخت کوش و مردمی سازمان تامین اجتماعی و حاج عبدالرحمن تاج‌الدین، معاون صدیق وزحمتکش حقوقی وامورمجلس سازمان

که در حال خدمت به مردم جان خود را از دست دادند، موجب تأثر وتألم شد. این اندوه بزرگ را به خانواده‌های ایشان و نیز اعضای خانواده بزرگ تامین اجتماعی تسلیت عرض می‌کنم.

■ محسن سرخو، عضو هیئت مدیره سازمان تامین اجتماعی:

با اندوه فراوان درگذشت شهادت‌گونه جناب آقای دکتر نوربخش، و جناب آقای تاج‌الدین، را به خانواده محترم این عزیزان، جامعه کارگری وهمکاران عزیز تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال برای آن عزیزان علودرجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌کنم.



● ساختمان نیمه کاره - ۱۵۹ ● مسعود مشایخی ●

خبری کوتاه و تلخ

خبیر، کوتاه اما بسیار تلخ و غم‌انگیز بود. دکتر نوربخش، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی و یکی از معاونینش بر اثر تصادف به لقاءالله پیوستند. این آغاز یک تراژدی غم‌انگیز و حزن‌آور بود. لحظاتی که کابوس‌وار گذشت. از روزی که افتخار همکاری با این نشریه را پیدا کردم، همواره به مرحوم دکتر نوربخش به‌عنوان یک رئیس نگاه می‌کردم. وقتی با مشقت از جیرفت تا تهران آمدم که در نمایشگاه مطبوعات سال قبل، شرکت کنم و از نزدیک افتخار دیدار ایشان را پیدا کنم نه با یک رئیس، بلکه با یک دوست و فردی خاکی و مهربان مواجه شدم. پای حرفشان که شنستم دریافت‌ام و فردی سرشار از عشق به خدمت است با دغدغه درد مردم و تسکین آن. همه از او راضی بودند و تعریف‌های زیادی از خوبی‌های ایشان از جامعه کارگری هم شنیدیم. من هم به خود می‌بالیدم که در نشریه‌ای که زیرمجموعه سازمان تامین اجتماعی و به‌نحوی تحت مدیریت اوست قلم می‌زنم. او را در این چند سال دنبال حل مشکلات مردم در حیطه مسئولیت خود یافتیم آن هم در دوره‌ای که از گوشه‌و کنار می‌شنیدم که برخی از مدیران فقط برای رفاه خود و خانواده‌شان تلاش می‌کنند و دنبال کمتر کارکردن و بیشتر پول درآوردن هستند. دکتر سید تقی نوربخش، اما از نظر من جنس دیگری داشت. او انسانی اهل بخشش و کمک کردن به کسانی بود که نیازمند کمک و حمایت بودند. او در حوزه‌ای فعالیت می‌کرد که با بحران‌های زیادی دست به گریبان بود و او چه خوب توانسته بود سپر بالای کارگران و بازنشستگان باشد در این توفان اقتصادی.

بهرارستی چه حکایت غریبی دارد، روزگار آدم‌هایی را از میان ما گلچین می‌کند که وجودشان بسیار بارزش و با اهمیت بوده و سال‌ها می‌توانستند در مسیر درست با تخصص و سواد مدیریتی، به مردم این سرزمین و ضعیف‌ترین اقشار این کشور خدمت کنند. شاید کمتر کسی از دوستان کارگرم که سال‌هاست زیر چتر بیمه تامین اجتماعی قرار گرفته‌اند نام دکتر نوربخش را شنیده باشند و با خوی و خصلت ایشان آشنا باشند، اما همگان می‌دانند که مدیریت و مسکان‌داری این ارگان عریض و طویل که با جمعیت بزرگی از افراد جامعه پیوند مستقیم دارد تنها می‌تواند کار یک مدیر توانا و کاربلد باشد. یاد دکتر نوربخش خستگی‌ناپذیر و پرتلاش در عرصه خدمت و در میان جامعه کارگری زنده باقی خواهد ماند.

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی

پایان تراژیک یک ماموریت کاری

و به بیمارانی که از شهرهای دیگر آمده بودند هم اصرار داشت که برای ویزیت بیابین بیمارستان و خیلی زود بهشون نوبت می‌داد.

کاربر دیگری هم این روایت را از علی سرزعی در باره مرحوم نوربخش در توئیتر منتشر کرد:

«مرحوم نوربخش در حوزه جراحی معمولاً مریضان سختی را قبول می‌کرد که دیگر پزشکان به‌راحتی حاضر به پذیرش آن‌ها نبودند. یک نوبت نیز متوجه شدم ایشان در روزهای آخر هفته و تعطیل به طبابت رایگان مردم فقیر حاشیه‌نشین که هیچ پوشش بیمه‌ای ندارند، می‌پردازد.» کاربر دیگری هم با انتشار عکس خانه مرحوم نوربخش که پرچم سیاه تسلیت جلو در آن نصب شده بود این‌طور نوشت: «نوربخش، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی که در روز پنجشنبه به همراه محمد شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای افتتاح چندین پروژه عمرانی و توسعه‌ای به گلستان سفر کرده بودند، در سانحه تصادف دچار مصدومیت شدید شدند و با وجود تلاش پزشکان، درگذشتند. به گفته پزشکان بیمارستان جرجانی گران، این مصدومان دچار ترومای شدید و خونریزی داخلی شده بودند، لذا درمان‌های پزشکان در اتاق عمل به مدت دو ساعت به نتیجه نرسید و هر دو مصدوم فوت کردند. این حادثه در کیلومتر ۵ محور کردکوی به گرگان و در تصادف با یک تانکر سوخت اتفاق افتاد.

پس از انتشار این خبر، کاربران شبکه‌های اجتماعی اعم از چهره‌های شناخته‌شده و کاربران عادی با نوشتن مطالب و انتشار عکس‌هایی، به این موضوع واکنش نشان دادند. کاربری به نام «میم صاد»

در این باره نوشت: «سید تقی نوربخش بعد از ۵ سال مسکان‌داری سازمان تامین اجتماعی امروز بر اثر تصادف درگذشت. مدیری سالم که در سازمان ثبات مدیریتی ایجاد کرده بود. گمان می‌کنم نظام رفاه و تامین اجتماعی کشور، کار سختی برای پُر کردن جای خالی او داشته باشد.»

کاربر دیگری به نام «امپانس» هم در باره مرحوم نوربخش نوشت: «چند قول از دکتر نوربخش شنیدم و واقعا متأثر شدم. یکی از دوستان می‌گفت هروقت می‌رفتم بیمارستان میلاد برای درمان مادرم، هیچ‌وقت حرفی از مطب نمی‌زد

شمال هست خیلی خطرناکن. جدیداً بعضی‌هاشون رو به‌صورت U شکل و دورگردان کردن، اما بیشترشون همچنان حالت بریدگی دارن و به‌خاطر اینکه تمام حاشیه جاده، روستا یا زمین کشاورزی هست دور زند از این بریدگی‌ها خیلی خطرناکه.»

کاربری دیگر به نام «ابراهیم عزیزاده» هم در باره علت این تصادف نوشت: «از سه علت حادثه منجر به فوت #نوربخش، مدیرعامل تامین اجتماعی به راحتی نگذریم. عدم رعایت حق تقدم از سوی راننده سواری، عدم توجه کافی به جلو از سوی راننده تریلی و قصور مسئولان راه برای احداث دوربرگردان ایمن. منبع: رئیس پلیس راه گلستان / ایسنا»

مسعود نوری هم نوشت: «#حوادث_رانندگی در ایران غنی و فقیر یا مقام دولتی و مردم عادی نمی‌شناسد. جاده‌ها

سالیانه شاهد مرگ حدود ۲۰هزار تن است. این بار #نوربخش، مدیرعامل

#تامین_اجتماعی قربانی شد.» «محمد آقازاده» هم چنین توییته نوشت: «#دکتر نوربخش در تصادف جاده‌ای جاننش را از دست داد. این دومین مدیرعامل تامین اجتماعی است که به‌خاطر تصادف و امداد رسانی دیر هنگام جاننش را از دست می‌دهد. غرضی اولین مدیرعامل در جاده اصفهان چشم بر جهان بست و دومی در گرگان.»



● زیر پوست شهر - ۱۶۳ ● نسرين ظهیری ●

در ستایش مرگ

ما بچه‌های مرگیم. زاده نیستی. نامزدان مادام‌العمر فنا از همان روز که زندگی را تجربه می‌کنیم. جمله‌های تکراری وقت مرگ، واقعیت‌های گریزناپذیری هستند؛ «اجل خودش را بی‌تقصیر می‌کند.» «راستش در این صبح شبیه غریب و در معاشرت پرتوهای یواش آفتاب زنده پاییزی، ذهن نمی‌خواهد جز از مرگ بنویسد در ستونی که با زندگی چورتر است. گل‌های شمع‌دانی را آب می‌دهم تا نمیرند. می‌خواهم زنده نشان‌شان دارم در حالی که می‌دانم گیاه دو ساله، فقط دو سال زندگی می‌کند. سلول‌هایش بیش از آن مدت، دوام نمی‌آورد. آیا شمع‌دانی‌ها مرگ خود را پیش‌بینی می‌کنند... آیا اندیشیدن به مرگ عین زندگی نیست‌ام؟ خواهم بگویم مرگ دکتر نوربخش جمله‌هایم را گیر می‌اندازد. ذهنم را در سرگبجه مدام نپذیرفتن، می‌چرخاند. چطور آدمی در کمال وجود و حیات، ناگهان بی‌هیچ قبیدی، ترک موجودیت می‌کند. انسانی که بسیاری از شروط زندگی، در کنار او می‌جوئیده. اما آدم هستیم و مرگ آگاه؛ تنها موجودی از میان خلائق که می‌داند می‌میرد. با این همه ذهن زیبا و ماندگار پرستمان بیش از مرگ به زندگی می‌اندیشد. می‌توانیم هزار دلیل بیابوریم، هزار برهان و صدها بهانه تا مرگ را توجیه کنیم. اگر راننده این‌طور بود، اگر جاده این‌طور بود، اگر شرایط چنین بود و هوا چنان، اما آن‌ها که مرگ را فهمیده‌اند می‌دانند که مرگ، همه را غافلگیر می‌کند. درست‌سر وقتش می‌آید. او ساعت مچی خودش را دارد. عادت دارم که دیده‌هایم را گزارش کنم تا از ندیده‌ها تحلیل بنویسم. این است که می‌نویسم من با اجل در آیارتمان هفتاد متری پل امیر بهادر بارها ملاقات کرده‌ام. یک بار همان شب بود که مادرم او را دعوت کرده بود و من خبر نداشتم. از روزنامه آمده بودم و خسته که ناگهان مرگ نشست کنار مادرم و من احساسش می‌کردم. احساسم ترسناک نبود. بوی غریبی می‌آمد. دست‌های مادرم به سمتش دراز شد و ناگهان همه لامپ‌ها خاموش و من می‌فهمیدم آنکه وسط خانه من دراز کشیده و آرام است و جوان می‌نماید دیگر مادر من نیست. مرگ، مادرم را با خودش برده بود و من فکر می‌کردم این انتهای جهان است. اما جهان تمام نشد. ما به مرگ عادت کردیم، به نبودن، به اینکه بخشی از ما گاهی زیر خروارها خاک می‌آراند بی‌آنکه نباشد. داشتیم از دکتر نوربخش می‌گفتم و اینکه مرگ پایان بعضی از آدم‌ها نیست. گاه مرگ رستاخیزی است که انسانی فرهیخته را در پرتو نور تابانش قرار می‌دهد تا بزرگی و انسانیتش منتشر و منعکس و بازتابی شود.